



دانشگاه علوم پزشکی تهران  
دانشکده پرستاری و مامایی

عنوان:

طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزشی ارتقای کیفیت زندگی بر اساس الگوی  
پرسید - پرسید در زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک

پایان نامه برای دریافت درجه دکتری تخصصی PhD

در

بهداشت باروری

نگارنده:

بیبا فریدونی

اساتید راهنما

دکتر زهرا بهبودی مقدم

دکتر محسن صفاری

استاد مشاور

دکتر علی منتظری

۱۳۹۷

## طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزشی ارتقای کیفیت زندگی بر اساس الگوی پرسید-پروسید در زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک.

### چکیده

**مقدمه و هدف:** سندرم تخمدان پلی کیستیک (PCOS) شایعترین اختلال آندوکراین زنان در سنین باروری است که به علت ایجاد عوارض جسمی، روانی و اجتماعی، می‌تواند کیفیت زندگی بیماران را تحت تاثیر قرار دهد. لذا مطالعه حاضر با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزشی ارتقای کیفیت زندگی بر اساس الگوی پرسید-پروسید، در زنان مبتلا به PCOS مراجعه کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شهر همدان انجام شد.

**روش کار:** پژوهش حاضر مطالعه‌ای چند مرحله‌ای بود که بر اساس مراحل هشت گانه الگوی پرسید-پروسید صورت گرفت. برای دستیابی به اهداف مراحل یک و دو مدل (تشخیص اجتماعی و اپیدمیولوژیکی)، مطالعه ای در سه بخش طراحی گردید. بخش اول مرور سیستماتیک به منظور تعیین عوامل موثر بر کیفیت زندگی زنان مبتلا به PCOS و همچنین پرسشنامه های مورد استفاده در این زمینه بود. بخش دوم یک مطالعه کمی مقطعی بود که با هدف سنجش کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن بر ۲۰۰ زن ۴۵-۱۸ سال مبتلا به PCOS انجام شد. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، کیفیت زندگی اختصاصی PCOSQ و عملکرد جنسی زنان FSFI استفاده شد. بخش سوم مطالعه شامل برگزاری سه بحث گروهی متمرکز با ۱۹ نفر از زنان مبتلا به PCOS بود که به منظور تبیین درک و تجربه بیماران از کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن انجام شد. داده های کیفی به روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل گردید. در مرحله تشخیص رفتاری و محیطی، تشخیص و طبقه‌بندی عوامل رفتاری و محیطی و ارزشیابی تغییر پذیری آنها انجام شده و عوامل مستعد کننده، قادرکننده و تقویت کننده طبق مرحله سوم مدل، مشخص شد. سپس نوع مداخله مطابق با مرحله چهارم مدل طراحی گردید. به این منظور، با توجه به یافته های مراحل قبل و طبق نظر پانل متخصصین، از مداخله آموزشی جنسی جهت ارتقای کیفیت زندگی بیماران استفاده شد. در مرحله پنجم مدل پرسید جهت بررسی تاثیر مداخله آموزشی، یک مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی شده اجرا شد. ۱۰۱ زن متاهل مبتلا به PCOS دارای اختلال عملکرد جنسی به صورت تصادفی به دو گروه آزمون و کنترل تقسیم شدند (۵۱ نفر در گروه آزمون و ۵۰ نفر در گروه کنترل). برای گروه آزمون برنامه مشاوره آموزشی در ۷-۴ جلسه ۹۰-۶۰ دقیقه‌ای انجام گردید و گروه کنترل مراقبت های روتین را دریافت کردند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل پرسشنامه های خود ساخته برای سازه‌های پرسید-پروسید، PCOSQ، FSFI و پرسشنامه کیفیت زندگی جنسی زنان SQoL-F بود. در حین اجرای مداخله نظارت بر

اجرای درست آن مطابق با مرحله ششم مدل و دو هفته و سه ماه پس از پایان مداخله تاثیر فوری و درازمدت اجرای آن از طریق پس آزمون، مطابق با مراحل هفتم و هشتم مدل انجام شد.

**یافته‌ها:** بر اساس نتایج مرور سیستماتیک بعد جسمی، روانی و جنسی از جمله شایعترین عوامل موثر بر کیفیت زندگی زنان مبتلا به PCOS بود. همچنین پرسشنامه های SF-36 و PCOSQ به ترتیب بیشترین ابزار عمومی و اختصاصی مورد استفاده برای سنجش کیفیت زندگی زنان مبتلا به PCOS بودند. در مطالعه کمی مقدماتی، میانگین نمرات کیفیت زندگی در هر یک از حیطه‌های کیفیت زندگی زنان محاسبه شد. بیش از نیمی از بیماران نمره کمتر از حد میانگین پرسشنامه کیفیت زندگی اختصاصی و حیطه عاطفی آن کسب نمودند و همچنین ۶۹/۹ درصد بیماران متاهل اختلال عملکرد جنسی داشتند. درک بیماران از عوامل موثر بر کیفیت زندگی به عنوان موضوع مورد بحث در گروه متمرکز انتخاب گردید که شامل عوامل جسمی، روانی، اجتماعی و جنسی بود. با توجه به نتایج مطالعه و نظر متخصصین مربوطه بهترین روش مداخله به منظور ارتقای کیفیت زندگی زنان مبتلا به PCOS، مداخله مشاوره جنسی بر اساس روش اکس- پلیسیت تعیین گردید. بر اساس نتایج بخش مداخله، میانگین نمرات گروه آزمون در پرسشنامه کیفیت زندگی اختصاصی و حیطه های عاطفی، مشکلات قاعدگی و نازایی آن ( $P < 0/001$ )، همه حیطه های مربوط به پرسشنامه عملکرد جنسی به جز حیطه درد ( $P < 0/001$ ) و همچنین پرسشنامه کیفیت زندگی جنسی ( $P < 0/001$ ) با اختلاف معنی داری دو هفته و سه ماه پس از مداخله بیشتر از گروه کنترل بود.

**نتیجه گیری:** بنابر یافته های حاصل از این پژوهش، طراحی و اجرای برنامه آموزشی بر اساس الگوی پرسید-پروسید در ارتقای کیفیت زندگی زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک موثر است و مشاوره جنسی در کاهش مشکلات جنسی این بیماران تاثیر به سزایی دارد. لذا پیشنهاد می گردد به منظور ارتقای کیفیت زندگی در برخورد با این بیماران عملکرد جنسی مورد بررسی قرار گرفته و آموزش های لازم در این زمینه داده شود.

**کلید واژه‌ها:** سندرم تخمدان پلی کیستیک؛ کیفیت زندگی؛ مدل پرسید-پروسید؛ مرور سیستماتیک.



**Tehran University of Medical Science  
School of Nursing and Midwifery**

**Title:**

**Design, implementation and evaluation of an educational program based on the PRECEDE-PROCEED model to improve quality of life in women with Polycystic Ovary Syndrome.**

**A Thesis submitted as partial fulfillment of the requirements for Doctor of Philosophy  
(Ph.D) Degree  
in  
Reproductive Health**

**By  
Bita Fereidooni**

**Supervisors  
Dr. Zahra Behboodi Moghadam  
Dr. Mohsen Saffari**

**Consultant  
Dr. Ali Montazeri**

**2018**

## **Abstract:**

### **Design, implementation and evaluation of an educational program based on the PRECEDE-PROCEED model to improve quality of life in women with Polycystic Ovary Syndrome.**

**Objective:** Polycystic Ovary Syndrome (PCOS) is the most common endocrine disturbance in women of reproductive age with physical, psychological and social consequences, resulting in worsened quality of life. The present study was conducted to design, implement and evaluate an educational program based on the PRECEDE-PROCEED model to improve quality of life in PCOS women who referred to health centers in Hamadan, Iran.

**Materials and Methods:** The present study was a multi-stage study, which was implemented based on the eight steps of the PRECEDE-PROCEED model. To achieve the goals of the first and second stages (Social and Epidemiological assessment), a systematic review of the literature, a cross-sectional study on 200 PCOS women aged 45-45 using the Health-related Quality of Life Questionnaire for PCOS (PCOSQ) and Female Sexual Functional Index (FSFI) and a focus group discussions with 19 women with PCOS were conducted. Discussions were conducted to explain patients' perception and experience of quality of life and its determining factors. Qualitative data was analyzed by content analysis.

Accordingly for the Behavioral and Environmental assessment, the diagnosis and classification of behavioral and environmental factors and their variability evaluation were carried out and predisposing, enabling and predisposing factors were determined (third stage of the model). Then, the type of intervention was designed in accordance with the fourth stage of the model. To this end, according to findings and expert panel suggestion a sexual counseling was indicated as the best possible intervention to improve quality of life in PCOS women. Consequently for the fifth stage of PRECEDE model, a randomized clinical trial was conducted to examine the effect of intervention. A total of 101 married PCOS women with sexual dysfunction were randomly divided into intervention and control groups (51 in the intervention group and 50 in the control group). The intervention group received the educational counseling program in 4 to 7 sessions of 60 to 90 minutes while the control group received routine care only. Data collection tools consisted of self-designed questionnaires for PRECEDE-PROCEED model, the PCOSQ, the FSFI and the Sexual Quality of Life-Female (SQoL-F) questionnaires. During the implementation of the intervention, its correct implementation was closely monitored in accordance with the sixth step of the model and two weeks and three months after the intervention, the immediate and long-term impact of the intervention was evaluated as required to cover the seventh and eighth stages of the model.

**Results:** The systematic review indicated that physical, psychological and sexual dimensions were the most important factors that contributed to quality of life in PCOS women. Also, the SF-36 and the PCOSQ questionnaires were found to be the most common and specific tools used to measure the quality of life in these women. The preliminary quantitative study also showed that quality of life was more than half of the patients had scores less than mean for total score of the PCOSQ and its emotional domain. Also, 69.9% of

married patients had sexual dysfunction. Patients' experiences as indicated by the focus group discussion indicated that physical, psychological, social and sexual factors were the most disturbing factors of quality of life in PCOS women. Thus based on the study findings to this end and experts' opinion, sexual counseling based on EX-PLISSIT model was identified to be the best intervention in improving quality of life in PCOS women. Finally based on the results obtained from the randomized trial the mean scores of the intervention group for the PCOSQ and its three sub-scales namely emotional, menstrual problems and infertility ( $P < 0.001$ ), all sub-scales related to the FSFI questionnaire except for the pain sub-scale ( $P < 0.001$ ) and the SQoL-F questionnaire, were significantly improved as compared to the control group both two weeks and three months after the intervention ( $P < 0.001$ ).

**Conclusion:** The findings suggest that a model-based educational intervention on sexual functioning could improve quality of life in PCOS women. Indeed sexual counseling should be a prominent part of every care plan for this population.

**Key words:** Polycystic ovary syndrome, Health-related quality of life, PRECEDE-PROCEED model, Systematic Review.